

مراد از قرائت قرآن در آیه آخر سوره مزمل و حکم شرعی آن*

- حمید وحیدیان اردکان^۱
- حسن نقی زاده^۲
- محمدحسن رستمی^۳

چکیده

در آیه آخر سوره مزمل به «قرائت قرآن» امر شده است. در اینکه مراد از قرائت چیست، وحدت نظر وجود ندارد. برخی معتقدند که مراد از قرائت قرآن در این آیه، مطلق قرائت است و به معنای قرائتی که از واجبات غیر رکنی نماز است، نمی‌باشد. برخی مراد از این قرائت را مطلق قرائت در نماز، اعم از نمازهای واجب و مستحب دانسته‌اند. بزرگانی همچون سید مرتضی، علامه حلی، محقق کرکی و آیه‌الله خوئی، از این آیه، وجوب قرائت در نمازهای یومیه را برداشت کرده‌اند. برخی مراد از آن را امر استحبابی به نماز شب دانسته‌اند. با بررسی دقیق معنای «قیام اللیل» و استعمالات آن در متون متقدم، دقت در مقام

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۲.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد (hvahidian@gmail.com).

۲. استاد دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول) (naghizadeh@um.ac.ir).

۳. دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (rostami@um.ac.ir).

سخن، سیاق و بافت آیه و سوره مشخص می‌گردد که سه قول اول به دلایل مخالفت با ظهور آیه و بافت سوره، مخالفت با مقام سخن و روایات پذیرفتنی نیست. قول چهارم به مدد ادله‌ای همچون موافقت با قواعد بلاغی، مطابقت با سیاق آیه، سوره، مقام سخن و روایات تأیید می‌شود و نیز معلوم می‌گردد که امر حاضر در این عبارت بر خلاف ظاهر صیغه امر، دلالت بر استعجاب دارد. معناشناسی ترکیب «قیام اللیل» و بهره‌گیری از آن در این بحث و نیز استدلال به مقام سخن، بافت سوره، قاعده بلاغی «ردّ العجز إلى الصدر»، از جمله نوآوری‌های این مقاله است.

واژگان کلیدی: سوره مزمل، آیات الاحکام، واجبات نماز، قیام اللیل، قرائت قرآن.

درآمد

سوره مزمل ۲۰ آیه دارد و تمام آیات آن به استثنای آیه آخر، قطعاً مکی است و در اوایل بعثت نازل شده است. درباره آیه آخر آن اختلاف است؛ برخی همچون علامه طباطبایی آن را مدنی دانسته (زمخشری، ۱۴۰۷: ۶۳۴/۴؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۷۴/۲۰) و برخی همچون فخر رازی و بیضاوی آن را مکی دانسته‌اند (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۶۸۱/۳۰؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۲۵۵/۵). این سوره به پیامبر ﷺ فرمان می‌دهد که برای کاستن از سنگینی و وظیفه خطیر نبوت و کنایه‌های مشرکان که وی را کاهن و شاعر می‌خواندند، به تهجد و نماز شب متوسل شود و با کرامت از کنار کنایه‌ها و تهمت‌ها بگذرد. ضمناً این سوره مشتمل بر انذار کافران است و در آخرین آیه نیز در فرمان شب‌زنده‌داری، تخفیف قائل می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۶۰/۲۰ و ۷۴).

در آیه انتهایی سوره مزمل آمده است: ﴿إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يُدْرِكُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِيمٌ أَنْ لَنْ تُخْصَوْهُ فِتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِيمٌ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَىٰ وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ...﴾ (مزمل / ۲۰)؛ «پروردگارت می‌داند که تو و گروهی از آنها که با تو هستند، نزدیک دوسوم از شب یا نصف یا ثلث آن را به پا می‌خیزند. خداوند شب و روز را اندازه‌گیری می‌کند. او می‌داند که شما

نمی‌توانید مقدار آن را [به دقت] اندازه‌گیری کنید [برای عبادت کردن]، پس شما را بخشید. اکنون آنچه برای شما میسر است قرآن بخوانید. او می‌داند به زودی گروهی از شما بیمار می‌شوند و گروهی دیگر برای به دست آوردن فضل الهی [و کسب روزی] به سفر می‌روند و گروهی دیگر در راه خدا جهاد می‌کنند [و از تلاوت قرآن باز می‌مانند]، پس به اندازه‌ای که برای شما ممکن است، از آن تلاوت کنید...».

چنانچه مشخص است، در این آیه دو بار به «قرائت قرآن» امر شده است. درباره مراد از قرائت قرآن در این آیه و در نتیجه حکم شرعی آن، میان مفسران و همچنین فقیهان اختلاف است. در بررسی اقوال مختلف، به چهار قول دست یافتیم.

برخی قائل‌اند که مراد از آن، مطلق قرائت قرآن است و البته آن را واجب می‌دانند؛ اما در اینکه با قرائت چند آیه در روز، این امر امثال شده، با یکدیگر اختلاف دارند. برخی معتقدند که مراد، قرائت در همه نمازها - اعم از نمازهای واجب و مستحب - است که در این صورت، مطلق امر مراد است که اعم از مستحب و واجب است. برخی قائل‌اند که مراد از قرائت قرآن در این آیه، قرائت در نمازهای یومیه است که در این صورت امر به قرائت در این آیه، امر وجوبی است و برخی معتقدند که مراد، نماز شب است و در نتیجه امر به آن استحبابی خواهد بود. در ادامه به نقد و بررسی هر کدام از این چهار قول می‌پردازیم.

پیشینه

به جز نگاه‌های تفسیری، مقالات و کتاب‌هایی که درباره نماز شب نوشته شده، به این آیه اشاره کرده‌اند، که از جمله آن‌ها می‌توان به مقالات زیر اشاره کرد: «تهجد و شب‌زنده‌داری در سیره پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» (خرمی، ۱۳۸۵: ۲۰-۲۸)، «اهمیت نماز شب در آینه قرآن» (ابگشا و کرمی، ۱۳۹۶: ۸۳-۹۲). این مقالات صرفاً به این آیه اشاره کرده، اما به مباحث فقهی ذیل آن نپرداخته‌اند. مقاله «قرآن‌پژوهان و آیه پایانی سوره مزمل» (شکراللهی، حاجی‌اسماعیلی و اسماعیلی، ۱۳۹۵: ۸۶-۱۰۵) نیز دقیقاً آیه آخر سوره مزمل را موضوع سخن قرار داده است؛ اما آن را از زاویه اختلاف موجود در مکی یا مدنی بودن مورد بحث قرار داده است. مقاله «کاوشی در نماز شب پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» نیز موضوع

سخنش را بررسی حکم فقهی نماز شب برای پیامبر صلی الله علیه و آله و اصحاب ایشان قرار داده است (خاتمی و موسوی، ۱۳۸۹: ۴۹-۶۶). هرچند این مقاله نیز به آیه محل بحث پرداخته است، اما زاویه دیدش با مقاله حاضر متفاوت است. این مقاله صرفاً به وجوبی یا استحبابی بودن دستور به اقامه نماز شب برای پیامبر صلی الله علیه و آله و اصحاب ایشان پرداخته است. مقاله‌ای با عنوان «آیه اللیل... هل هی منسوخة» (میرعمادی، ۱۳۷۲: ۲۵-۲۸) نیز موضوعی نزدیک به مقاله اخیر دارد و موضوع سخنش آن است که آیا آیات ابتدایی سوره مزمل، نماز شب را بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله واجب کرده است یا خیر؟ و اگر چنین است، آیا آیه آخر سوره مزمل نسخ این وجوب است یا خیر؟ این مقاله در واقع بخشی از نتیجه تحقیق ما را که معادل بودن قرائت قرآن با صلاة اللیل است، پیش فرض گرفته و به بحث و بررسی آن پرداخته است. مقاله «الألفاظ الدالّة علی الصلاة فی القرآن الکریم - دراسة دلالية» نیز به بیان واژگان قرآنی که برای تعبیر از نماز کاربرد دارند، پرداخته است. این مقاله نیز صرفاً با بخشی از مقاله حاضر همپوشانی دارد. در این مقاله به این مطلب پرداخته شده است که در قرآن کریم برای تعبیر از نماز، از واژگان و ترکیب‌های مختلفی استفاده شده است که از جمله آن‌ها «قرائت قرآن» است (فرحان جواد، ۲۰۰۹: ۱۰۳-۱۲۶). برخی پایان‌نامه‌ها نیز به بررسی آیات سوره مزمل پرداخته‌اند. شماری از آن‌ها مقدار اندکی با مسئله این رساله همپوشانی دارند. پایان‌نامه تفسیر تطبیقی روایی سوره مزمل از ازم تقاسیر فریقین (دژی، ۱۳۹۱) در بخش انتهایی‌اش با عنوان آموزه‌ها و پیام‌های هدایتی سوره مزمل و نیز در خلال روایات نقل شده، به این بحث اشاره کرده است که مراد از قرائت قرآن که در این سوره بدان امر شده است، همان نماز شب است؛ البته بر خلاف تحقیق حاضر به بیان ادله اثبات این مطلب نمی‌پردازد. پایان‌نامه بررسی معناشناختی سوره مزمل و مدثر (صفری رودبار، ۱۳۹۵) با رویکرد معناشناسانه به بررسی این دو سوره پرداخته و به همین جهت، واژه‌های زیادی از این دو سوره از جمله ایمان، ذکر و... را بررسی کرده است. اما با این رویکرد، به هیچ یک از واژه‌های آیه محل بحث این رساله توجه ندارد. بررسی دلالت‌های آوایی سوره مزمل و مدثر (موسوی، ۱۳۹۵) پایان‌نامه دیگری است که با رویکرد آوایی به بررسی این دو سوره پرداخته و موضوع سخنش بررسی آواها، هجاها، صفات و... است و مطلقاً با موضوع این مقاله همپوشانی ندارد.

مؤلفان کتاب‌های فقهی نیز در بخش واجبات نماز ذیل بحث قرائت نماز، به بررسی این آیه پرداخته‌اند. دلالت آیه بر وجوب قرائت در نماز، دلالت بر امر به مطلق قرائت قرآن، دلالت امر بر وجوب یا استحباب، از جمله مباحث طرح شده در کتاب‌های فقهی است. در اثنای مقاله به اقوال گوناگون فقها اشاره شده است. همچنین تفاسیر فقهی نیز ذیل آیه شریفه از این بحث غفلت نکرده‌اند و در مقاله حاضر به این اقوال نیز اشاره شده است. با توجه به این زمینه‌ها روشن شد که هرچند برخی مقالات و رساله‌ها، موضوعشان سوره مزمل و یا خصوص آیه آخر این سوره است، اما رویکردی کاملاً متفاوت از این مقاله دارند. در کتاب‌های فقهی و نیز تفاسیری که با رویکرد فقهی نوشته شده‌اند نیز به هیچ کتابی دست نیافتیم که بحث جامعی در این باره ارائه کرده باشد. علاوه بر آنکه نظر بسیاری از این فقیهان و مفسران در این مقاله ارزیابی و نقد شده است. نوآوری مقاله، دفاع منطقی از قول برگزیده و نحوه استدلال برای تأیید آن است؛ خصوصاً آنکه در مخالفت با نظر بزرگانی همچون سید مرتضی، محقق حلّی و محقق کرکی است. معنائشناسی ترکیب «قیام اللیل» و بهره‌گیری از آن در این بحث و نیز استدلال به مقام سخن، بافت سوره، قاعده بلاغی «ردّ العجز إلى الصدر» نیز از جمله نوآوری‌های این مقاله است.

ثمره و کارکرد بحث

آیه آخر سوره مزمل در ابواب مختلف فقهی مستند حکم قرار گرفته است؛ از جمله در باب قرائت نماز، مستند وجوب قرائت قرآن در رکعت‌های اول و دوم نماز قرار گرفته است. برخی دیگر نیز آن را دلیل بر وجوب قرائت روزانه آیاتی چند از قرآن قرار داده‌اند. برخی نیز آن را مستند امر استحبابی به نماز شب نسبت به عموم مسلمانان و نه فقط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دانسته‌اند. با بررسی‌های صورت گرفته روشن شده است که آیه مطلقاً مشتمل بر حکم وجوبی نیست و صرفاً استحباب نماز شب را اثبات می‌کند.

۱. مطلق قرائت قرآن

برخی مفسران معتقدند که مراد از قرائت قرآن در این آیه، مطلق قرائت است و

ارتباطی با قرائتی که از واجبات غیر رکنی نماز است، ندارد. البته این مفسران در این باره که با قرائت چند آیه از آیات قرآن، این امر امثال شده و تکلیف ساقط می‌شود، اختلاف کرده‌اند. زمخشری به عنوان قول ضعیفی از برخی مفسران نقل می‌کند که مراد از قرائت در این آیه را همان قرائت قرآن دانسته و در حداقل مقدار واجب قرائت در هر شب اختلاف کرده‌اند؛ برخی ۵۰ آیه و جمعی ۱۰۰ آیه را لازم دانسته‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴/۶۴۳). قرطبی نیز از حسن بصری، سدی و برخی دیگر نقل کرده است که معتقدند مراد همان ظاهر آیه یعنی تلاوت قرآن است. قرطبی نیز همین قول را به دلیل موافقت با ظاهر عبارت می‌پذیرد (انصاری قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۹/۵۴). قطب راوندی از مشهور فقیهان نقل می‌کند که مراد از قرائت در این آیه را همان قرائت نماز می‌دانند. لکن نظر خودش را در فرازهای مختلفی از کتاب بیان می‌کند. ابتدا می‌گوید که می‌شود به این آیه برای وجوب قرائت در نماز استدلال کرد؛ اما در ادامه می‌گوید که مراد از این قرائت، مطلق قرائت است که از جمله آن‌ها قرائت در حال نماز است (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۵: ۱/۱۰۶، ۱۰۷، ۱۲۷ و ۱۳۰). بنابراین طبق دیدگاه وی، مفاد آیه شریفه چنین است: مطلق قرائت قرآن واجب است و از جمله مصادیق تحقق این واجب، قرائت نماز است. البته ایشان توضیح نداده است که تلاوت چه مقدار از قرآن موجب عمل به امر و جوبی به تلاوت قرآن است و امر به واسطه آن ساقط می‌شود.

۱-۱. دلیل دیدگاه اول

همان‌طور که از قرطبی نقل شد، روشن است که این قول، مطابق با ظاهر ابتدایی واژگان است. قرائت یعنی خواندن، و قرآن هم که روشن است؛ پس قرائت قرآن یعنی قرآن خواندن.

۲-۱. بررسی این نظریه

به نظر می‌رسد که این دیدگاه اولاً خلاف سیاق آیه است؛ زیرا ابتدای آیه می‌فرماید: «پروردگارت می‌داند که تو و گروهی از آن‌ها که با تو هستند، نزدیک دوسوم از شب یا نصف یا ثلث آن را به پا می‌خیزند. خداوند شب و روز را اندازه‌گیری می‌کند. او می‌داند که شما نمی‌توانید مقدار آن را [به دقت] برای انجام عبادت اندازه‌گیری کنید، پس شما را بخشید...».

روشن است که در این آیه، سخن از نماز شب است. خداوند می‌فرماید که برای تخفیف و آسان گرفتن بر شما حکم کردیم که لازم نیست ثلث، نیم یا دو ثلث شب را به نماز شب بایستید. بعد می‌فرماید: اکنون آنچه برای شما میسر است، قرآن بخوانید. روشن است که آنچه بر مکلفان سخت بوده و موجب شده است که خداوند تخفیف بدهد، صرفاً مقدار لازم برای اختصاص به نماز است و نه اصل نماز شب. بنابراین تخفیف نیز باید در همان امر صورت بگیرد؛ یعنی در مقدار آن. بنابراین آیه شریفه بدون تغییر در موضوع تکلیف می‌فرماید هر مقدار که می‌توانید نماز بخوانید. آنچه در این بیان ممکن است مورد اشکال واقع شود، اراده «نماز» از «قرائت قرآن» است که در ادامه بدان خواهیم پرداخت.

ثانیاً این دیدگاه بر خلاف مقام سخن است؛ زیرا همان طور که در نقد قبلی روشن شد، مقام سخن در این آیه، تخفیف و امتنان بر بندگان است. آنچه مناسب با مقام امتنان است، رفع تکلیفی است که سابقاً وجود داشته است، نه جعل تکلیف جدید. بنابراین نمی‌توان پذیرفت که در این آیه، تکلیف الزامی قرائت قرآن جعل شده باشد.

۲. قرائت در همه نمازها (واجب و مستحب)

دیدگاه دیگر آن است که مراد از این قرائت، مطلق قرائت در نماز است؛ اعم از نمازهای واجب و مستحب. جصاص با عنایت به ظهور امر در وجوب، عبارت ﴿فَأَقْرُؤُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ﴾ در این آیه را دال بر وجوب قرائت در نماز می‌داند، اما آن را منحصر به نمازهای واجب نمی‌داند؛ بلکه به اعتقاد وی، آیه شریفه هم نمازهای واجب و هم نمازهای مستحب را شامل می‌شود. بنابراین آیه شریفه می‌فرماید که قرائت علاوه بر نمازهای واجب در نمازهای مستحبی نیز واجب است (جصاص، ۱۴۰۵: ۳۶۷/۵-۳۶۸). وی دلیلی بر این ادعای خود اقامه نکرده است.

۱-۲. نقد این دیدگاه

جصاص در ادامه، اشکالی را بر دیدگاه خود وارد، و آن را رد کرده است. حاصل سخن او این است که در نمازهای مستحبی وقتی اصل نماز مستحب است، چگونه

ممکن است که جزء آن یعنی قرائت، امری واجب تلقی شود؟ سپس در پاسخ به این اشکال گفته است: هرچند اصل نماز، امری مستحب است و شما مخیرید که آن را بجا بیاورید یا ترک کنید، اما اگر وارد نماز شدید، رعایت اموری چون ستر عورت، قرائت و... بر شما واجب می‌شود. دقیقاً مانند آنکه شما مخیرید با دیگری عقدی از قبیل عقد بیع یا اجاره یا... منعقد کنید، اما به محض وقوع عقد باید به مفاد آن پایبند باشید و دیگر اختیار بر هم زدن آن از شما سلب می‌شود (همان).

اما ضعف سخن جصاص آشکار است. این قول از چند نظر قابل تأمل به نظر می‌رسد.

اشکال اول آن است که این سخن مخالف با سیاق آیه است. در ذیل نقد دیدگاه اول گذشت که موضوع سخن در این آیه، تخفیف در فرمان به اقامه نماز شب در ثلث، نیم یا دوسوم از شب است. بنابراین تخفیف موجود در این آیه هم باید متناسب با حکم پیشین باشد. لذا مراد از قرائت قرآن در این آیه، قرائت در نماز شب است و ارتباطی به نمازهای یومیه ندارد.

اشکال دوم آن نیز مخالفت با سیاق سوره است؛ زیرا در آیات ابتدایی این سوره نیز پیامبر به خواندن قرآن امر شده است. در آن آیات قرینه وجود دارد که مراد از قرائت قرآن، نماز شب است و آیه آخر نیز ناظر بر آیه اول نازل شده است و می‌فرماید: با توجه به اینکه خداوند می‌داند شما برای امتثال آنچه در آیات ابتدایی این سوره بدان امر شده‌اید، خودتان را به زحمت می‌اندازید، در آن حکم تخفیفی قائل شده است. لذا این تخفیف هم باید ناظر به نماز شب باشد که در آیات ابتدایی بدان امر شده است. بنابراین مراد از قرائت قرآن در این آیه، همان قرائت در نماز شب است، نه مطلق قرائت در تمام نمازها.

۳. قرائت نمازهای یومیه

برخی فقها همچون سید مرتضی، محقق کرکی، علامه حلی، کیا هراسی و فاضل مقداد قائل شده‌اند که قرائت قرآنی که در این آیه مورد نظر خداوند است، همان قرائت واجب در نماز است (کرکی عاملی، ۱۴۱۴: ۲/۲۴۳؛ علامه حلی، ۱۴۱۴: ۳/۱۲۸؛ کیا هراسی، ۱۴۲۲: ۴/۴۲۷؛ سیوری حلی، ۱۳۷۳: ۱/۱۱۸؛ سید مرتضی علم‌الهدی، ۱۴۳۱: ۳/۴۱۸). استدلال این

به جز در نمازهای واجب، قابل خدشه نیست. بنابراین امر در آیه شریفه، امر وجوبی به قرائت قرآن است که نمی‌توان آن را جز بر قرائت در نمازهای واجب، بر مورد دیگری حمل کرد (سیوری حلی، ۱۳۷۳: ۱/۱۱۸).

۳-۲-۱. نقد اول

در نقد این قول باید گفت که مقدمه سوم استدلال فوق قابل خدشه است؛ چرا که هرچند صیغه امر ظهور در وجوب دارد، اما در همین آیه و نیز آیات ابتدایی این سوره، قرینه وجود دارد که مراد از قرائت قرآن، نماز شب است و با توجه به اینکه نماز شب واجب نیست، بنابراین باید از ظهور صیغه امر در وجوب دست برداریم. با آنکه می‌پذیریم که اصل در صیغه امر، وجوب است، اما می‌دانیم که این اصل در اینجا قابل تمسک نیست؛ چرا که دلیل بر خلاف آن وجود دارد.

۳-۲-۲. نقد دوم

این ادعا از چند جهت، خلاف ظاهر آیه شریفه است. اولاً، آیه با تعبیر «فَاقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ» به صراحت به قرائت قرآن دستور داده است. واژه «قرآن» ظهور در کتاب آسمانی دارد و واژه قرائت هم که به معنای خواندن است. بنابراین آیه شریفه فرمان به تلاوت قرآن می‌دهد. اما محقق خوبی با تمسک به آنچه آن را اتفاق نظر دانشمندان می‌نامد، در ظاهر آیه شریفه تصرف می‌کند و آن را بر معنای دیگری حمل می‌کند. یعنی به این دلیل که فقها اتفاق دارند که قرائت قرآن جز در نماز، واجب نیست، بنابراین ظهور آیه که امر به مطلق قرائت قرآن است، مراد نیست. حمل قرائت قرآن بر نماز شاید فی حدّ نفسه مورد قبول باشد، اما در مورد آیه شریفه پذیرفتنی نیست؛ چرا که خلاف بافت سخن است. ایشان مدعی است که مراد از «فَاقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ» همان سوره حمد است که واجب است در نمازهای یومیه خوانده شود. بنابراین آیه شریفه می‌فرماید: بر شما واجب است که در نمازهای یومیه ده بار سوره فاتحه به علاوه بخشی از قرآن را بخوانید - که طبق نظر شیعه، یک سوره کامل و طبق نظر اهل سنت بخشی از قرآن هرچند کمتر از یک سوره است. - حال آنکه سیاق و بافت آیه، دعوت و تحریض به تلاوت هر چه بیشتر قرآن است و چنین دستوری را

نماز، مستفاد از روایات است نه قرآن کریم»^۱.

سپس در ادامه به روایت زراره از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام استناد کرده که می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَرَضَ الرُّكُوعَ وَالسُّجُودَ، وَالْقِرَاءَةَ سُنَّةً. فَمَنْ تَرَكَ الْقِرَاءَةَ مُتَعَمِّدًا، أَعَادَ الصَّلَاةَ وَمَنْ نَسِيَ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۸۷/۶؛ نیز ر.ک: همان: ۹۱/۶): همانا خداوند رکوع و سجده را واجب کرده است و قرائت از زمره سنت است. بنابراین اگر کسی قرائت را عمدتاً ترک کند، باید نمازش را اعاده کند و اگر از روی فراموشی آن را ترک کند، تکلیفی ندارد [نمازش صحیح است].

توضیح آنکه واجبات نماز به دو بخش تقسیم می‌شوند: واجبات رکنی - که در زبان روایات از آن‌ها به فرض^۲ تعبیر می‌شود- و غیر رکنی - که در زبان روایات از آن‌ها به سنت^۳ تعبیر می‌شود-. بنابر این روشن است که تعبیر به سنت درباره یکی از افعال مکلفان، مطلقاً به معنای نفی وجوب از آن نیست. واجبات رکنی اگر عمدتاً یا سهواً بجا آورده نشوند، موجب بطلان نماز می‌شوند؛ اما واجبات غیر رکنی اگر سهواً ترک شوند، موجب ابطال نماز نیستند. قرائت نماز بی شک جزء واجبات غیر رکنی (سنن) نماز است. هرچند برخی روایات از جمله صحیح محمد بن مسلم و موقفه سماعه که در آن‌ها آمده است: «لا صلاة إلا بفاتحة الكتاب»، ظهور در رکنیت قرائت دارند، اما به قرینه روایاتی همچون صحیح علی بن جعفر و زراره ناگزیریم که از ظهور این روایات دست برداریم و قرائت را از جمله واجبات غیر رکنی (سنن) بشماریم. بر این اساس اگر کسی قرائت را از روی فراموشی ترک کرد، نمازش صحیح است (موسوی خویی، ۱۴۱۸: ۲۹۷/۱۴-۲۹۹).

۱. «الفعل الرابع من أفعال الصلاة القراءة، وهي واجبة في الجملة في الصلاة إجماعاً، بل وضرورة من المذهب كما في كشف الأستاذ، لعدم العبرة في ذلك بمن لم يسمع الآن بجملة من الضروريات من بهائم الخلق ونصوصاً مستفيضة بل متواترة، بل قيل وكتاباً كقوله تعالى: ﴿فَأَقْرُؤُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ﴾ بعد العلم بأن لا وجوب في غير الصلاة، وفيه أنّ النصوص ظاهرة أو صريحة في أنّ وجوبها من السنة لا من الكتاب» (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۸۴/۹-۲۸۵).

۲. فرض، آن دسته از واجبات است که از جانب خدا واجب شده است.

۳. سنت، آن دسته از واجبات است که خداوند آن‌ها را با خواسته پیامبر صلی الله علیه و آله واجب کرده است.

بر اساس این روایات، آیه‌ای از قرآن بر لزوم قرائت قرآن در نماز وجود ندارد - به همین جهت از جمله سنن قلمداد شده است و نه فروض - . بنابراین نمی‌توان مفاد آیه محل بحث را به قرائت قرآن در نماز مرتبط دانست.

۴. نماز شب

بسیاری از فقیهان و مفسران معتقدند که مراد از قرائت قرآن در این آیه، نماز شب است. فخر رازی درباره مراد از قرائت قرآن در این آیه، صرفاً دو قول قرائت در نمازهای یومیه و نماز شب را نقل کرده و قضاوتی درباره آن نمی‌کند (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۳۰/۶۹۵). قرطبی از ابن عربی نقل می‌کند که وی معتقد است مراد از قرائت قرآن در این آیه، نماز شب است (انصاری قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۹/۵۴). بیضاوی ضمن نقل هر دو نظر، قول دوم یعنی قرائت نماز شب را ترجیح می‌دهد (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۵/۲۵۸). امین‌الاسلام طبرسی این قول را اجماع مسلمانان به استثنای ابومسلم دانسته است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰/۵۷۵).

ابن عاشور نیز مراد از قرائت قرآن در این آیه را همان نماز شب می‌داند و این تخفیف را ناظر به همان تکلیفی می‌داند که در ابتدای سوره به عنوان لزوم شب‌زنده‌داری جعل شده بود. البته وی آیه انتهای سوره مزمل را مدنی می‌داند و مدعی است که علت این تخفیف هم پدید آمدن گرفتاری‌های فراوان در مدینه است که به علت تأسیس حکومت اسلامی برای پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به وجود آمده بود. البته او امر به اقامه نماز شب را شامل پیامبر و اصحاب می‌داند، اما آن را فرمانی غیر ضروری می‌شمارد (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۹/۲۶۰-۲۶۱). وی آیه ۷۸ سوره اسراء را به عنوان شاهد ادعای خود بیان می‌کند که در آنجا نیز خداوند از نماز صبح به ﴿قُرْآنَ الْفَجْرِ﴾ تعبیر کرده است. او وجه بلاغی این نوع استعمال را دعوت به نماز و قرآن با بیانی موجز برمی‌شمارد (همان: ۲۹/۲۶۴).

۴-۱. دلایل دیدگاه فوق

قرائن متعددی وجود دارد که مراد از قرائت قرآن در این آیه، نماز شب است.

۴-۱-۱. دلیل اول

در آیات ابتدایی این سوره نیز پیامبر به خواندن قرآن امر شده است. در آن آیات قرینه وجود دارد که مراد از قرائت قرآن، نماز شب است و بنابراین باید از ظهور صیغه امر در وجوب دست برداریم. در اولین آیات این سوره آمده است: ﴿يَا أَيُّهَا الْمَرْمُلُ ﴿۱﴾ قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿۲﴾ نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا ﴿۳﴾ أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا ﴿۴﴾؛ «ای جامه به خود پیچیده! (۱) شب را جز کمی به پا خیز (۲) نیمی از شب را یا کمی از آن کم کن (۳) یا بر نصف آن بیفزای و قرآن را با دقت و تأمل بخوان (۴)».

در آیه چهارم این سوره، به ترتیل قرآن دستور داده شده است و در آیه دوم به قیام در شب. بنابراین در صدر و ذیل این سوره، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به قیام در شب دستور داده شده است. هرچند تعبیر به «قیام اللیل» شده است، اما روشن است که مراد از «قیام اللیل»، نماز شب است. بسیاری از مفسران به این مطلب تصریح کرده‌اند. شیخ طوسی از زجاج نقل می‌کند که این آیه، قیام نیمی از شب یا کمی بیش یا کمتر از آن را واجب می‌کند و این وجوب، قبل از وجوب نمازهای پنج‌گانه بوده است. شیخ طوسی در ادامه می‌گوید: بهتر آن است که کلام را بر ظاهرش حمل کنیم و بگوییم که خداوند به تمام این مراتب (قیام نیمی از شب یا بیش از آن) امر کرده است، اما این امر، وجوبی نیست؛ هرچند سنت مؤکد است. از مقایسه «قیام اللیل» با نمازهای یومیه و به کار بردن تعبیر «سنت مؤکد» روشن است که شیخ طوسی نیز «قیام اللیل» را همان نماز شب دانسته است (طوسی، بی‌تا: ۱۶۲/۱۰). امین‌الاسلام طبرسی می‌گوید: ﴿قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا﴾ و معنای آن چنین است: تمام شب به جز کمی از آن را نماز بخوان؛ چرا که «قیام اللیل» به معنای نماز است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۶۸/۱۰). علامه طباطبایی می‌فرماید: مراد از «قیام اللیل» در این آیه، قیام در شب برای نماز است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۶۰/۲۰). فخر رازی و زمخشری نیز بر این مطلب تصریح کرده‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷: ۶۳۴/۴؛ فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۶۸۲/۳۰). در روایات نیز «قیام اللیل» در این آیه به معنای نماز دانسته شده است. محمد بن مسلم می‌گوید: از امام باقر علیه السلام درباره آیه ﴿قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا﴾ پرسیدم، فرمود: خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد که هر شب نماز بگذارد (طوسی، ۱۴۰۷: ۳۳۵/۲).

البته این مطلب با توجه به ترکیب واژگان به کاررفته در آیه کریمه نیز واضح است:

چرا که هرچند در این آیه از واژه «صلاة» به معنای نماز استفاده نشده است، اما ترکیب قیام در سیاق‌های این چنینی خصوصاً وقتی با لیل همراه می‌شود، به معنای نماز است؛ برای نمونه به موارد زیر دقت کنید:

مالک بن انس در الموطأ در بابی که روایات نماز مستحبی در شب‌های ماه مبارک را نقل می‌کند، روایات متعددی را می‌آورد که تعبیر متن روایت صرفاً «قیام اللیل» یا حتی صرفاً «قیام رمضان» است. ولی فهم او از این روایات، همان نماز در شب‌های ماه مبارک است؛ برای نمونه به روایتی که از ابوهریره نقل کرده است، توجه کنید. ابوهریره گفته است: پیامبر اکرم ﷺ بی آنکه بر مردم واجب کند، آن‌ها را به قیام رمضان ترغیب می‌کرد، یا اینکه می‌فرمود: «مَنْ قَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا، غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ». وی تمام این روایات را برای بیان فضیلت نمازهای مستحبی در شب‌های ماه مبارک رمضان و در بابی که به همین نام ایجاد کرده، آورده است. در ادامه، مالک از ابن شهاب نقل می‌کند که به واسطه این بیانات رسول اکرم ﷺ، مردم شب‌های ماه مبارک رمضان هر کدام در گوشه‌ای مشغول نماز بودند و این امر در تمام مدت خلافت دوساله ابوبکر و اوایل خلافت عمر جریان داشت تا اینکه او گفت اگر این‌ها را در جماعت واحد جمع کنم، بهتر است؛ لذا اُبی بن کعب را پیش فرستاد و مردم این نمازهای مستحبی را به وی اقتدا کردند (مالک بن انس، ۱۴۲۵: ۱۵۶/۲-۱۵۸). یا اینکه ابن مبارک که از علمای قرن دوم است، در روایتی از پیامبر اکرم ﷺ نقل کرده است که فرمود: «أَفْضَلُ الصَّلَاةِ بَعْدَ الْقَرِيضَةِ قِيَامُ اللَّيْلِ، وَأَفْضَلُ الصَّوْمِ بَعْدَ رَمَضَانَ صَوْمُ الْمُحَرَّمِ» یا اینکه از عایشه نقل کرده است که گفت: «لَا تَدْعُ قِيَامَ اللَّيْلِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ لَا يَدْعُهُ، وَكَانَ إِذَا مَرِضَ - أَوْ قَالَتْ: كَسِلَ - صَلَّى قَاعِدًا». روشن است که در این دو عبارت هم ترکیب «قیام اللیل» به وضوح درباره نماز شب به کار رفته است (ابن مبارک مروزی، ۱۴۲۵: ۴۲۷/۱).

با توجه به این مطالب روشن می‌شود که مسلماً مراد از «قیام اللیل» در آیات ابتدایی و انتهایی سوره مزمل، اقامه نماز است. با توجه به این مطالب، از دو راه می‌توان اثبات کرد که مراد از «فَأَقْرُؤُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ» همان اقامه نماز است.

۱-۱-۱-۴. راه اول: سیاق آیه آخر سوره مزمل

خداوند در این آیه می‌فرماید:

«پروردگارت می‌داند که تو و گروهی از آن‌ها که با تو هستند، نزدیک دوسوم از شب یا نصف یا ثلث آن را به اقامه نماز برمی‌خیزند. خداوند شب و روز را اندازه‌گیری می‌کند. او می‌داند که شما نمی‌توانید مقدار آن را [به دقت] اندازه‌گیری کنید [برای نماز خواندن]، پس شما را بخشید. اکنون آنچه برای شما میسر است، قرآن بخوانید».

روشن است که در این سیاق، مراد از قرآن خواندن، همان نماز است؛ چرا که صدر آیه می‌فرماید خدا می‌داند که برای شما سخت است که بخوانید ثلث یا نصف شب را اندازه‌گیری کنید و دقیقاً همان مقدار را نماز بخوانید به همین جهت، این حکم را از شما برداشت. در این فرض اگر اراده کند که حکم جدیدی را بیان فرماید، باید با توجه به همین نکته حکم را بیان کند. نکته‌ای که باعث شد خداوند به آن‌ها تخفیف بدهد، سختی اقامه نماز در ثلث یا نیمی از شب بود. طبیعتاً باید بفرماید که لازم نیست این مقدار نماز شب بخوانید، و اگر کمتر هم خواندید، کفایت می‌کند. در همین سیاق خداوند فرمود: پس هر چه می‌توانید نماز بخوانید، که به جای «صلّوا» از «اقروا القرآن» استفاده کرد. گفتنی است که این مطلب (تعبیر به قرآن به جای نماز) در آیات دیگر قرآن مثل آیه ۷۸ سوره اسراء هم صورت گرفته و در آن آمده است: ﴿أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى عَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا﴾ (اسراء/ ۷۸)؛ «نماز را از زوال خورشید [هنگام ظهر] تا نهایت تاریکی شب [نیمه‌شب] برپا دار و همچنین قرآن فجر [نماز صبح] را؛ چرا که قرآن فجر، مشهود [فرشتگان شب و روز] است!». بنابراین استفاده از واژه قرآن به جای نماز، امر غریبی نیست. در آن آیه نیز برای بیان نماز صبح از تعبیر «قرآن الفجر» استفاده شده است.

۱-۱-۱-۴. راه دوم: قاعده بلاغی «ردّ العجز إلى الصدر»

یکی از وجوه زیبایی‌های کلام آن است که گوینده در آخر کلامش، به همان بیان آغازین برگردد و آن را تکرار کند. علمای بلاغت این قاعده را چنین تعریف کرده‌اند: قرار دادن یکی از دو لفظ تکراری یا همجنس یا دو لفظ ملحق به هم در ابتدای عبارت

و دیگری در انتهای آن؛ مانند «وَتَخَشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ» (احزاب / ۳۷)؛ «و از مردم می ترسیدی در حالی که خداوند سزاوارتر است که از او بترسی». در این فراز آیه، واژه «تخشی» در ابتدا و انتهای عبارت تکرار شده است (هاشمی، ۱۴۲۰: ۳۵۴) یا مثل سوره مبارکه حشر که در آیه اول و آخرش از این صنعت ادبی استفاده شده است. در آیه اول آمده است: «سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (حشر / ۱)؛ «آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، برای خدا تسبیح می گوید و او عزیز و حکیم است» و در آیه آخر مجدداً همین مضمون تکرار شده است: «هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (حشر / ۲۴)؛ «او خداوندی است خالق، آفریننده [ای بی سابقه]، صورتگر [ای بی نظیر]، که برای او نامهای نیک است. آنچه در آسمانها و زمین است، تسبیح او می گویند و او عزیز و حکیم است».

در سوره مزمل نیز همین قاعده استفاده شده است. در آیات ابتدایی این سوره از نماز شب سخن می گوید و آیه انتهایی نیز دوباره بازگشت به همان موضوع دارد. با توجه به اینکه مراد از «قیام اللیل» و «ترتیل قرآن» در آیات ابتدایی، نماز شب است، اقتضای این قاعده آن است که مراد از «قیام اللیل» و «قرائت قرآن» در آیه انتهایی نیز نماز شب باشد.

۲-۴. نقد دیدگاه چهارم

این سخن، خلاف ظاهر آیه به نظر می رسد؛ چرا که ظاهر عبارت در آیه شریفه، قرائت قرآن است و نه اقامه نماز، و حمل قرائت قرآن در این آیه بر اقامه نماز، خلاف ظاهر است.

۳-۴. بررسی و پاسخ

یکی از ابواب مهم بلاغت، مجاز است. مجاز یعنی استعمال لفظ در معنایی غیر از معنایی که برای آن وضع شده است، به جهت ارتباطی که بین این دو معنا (معنای موضوع له و معنای مستعمل فیه) وجود دارد؛ البته به شرط وجود قرینه‌ای که مانع از اراده معنای موضوع له باشد. مجاز با توجه به این قرینه به دو بخش استعاره و مرسل تقسیم می شود؛ اگر علاقه مذکور مشابهت باشد، مجاز از نوع استعاره خواهد بود و اگر وجه دیگری باشد، مجاز مرسل خواهد بود. یکی از علائق موجود در مجاز مرسل، علاقه جزئیت است. در این نوع مجاز، جزء گفته می شود، ولی کل اراده می شود؛ مانند آیه «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ

يَقْتُلُ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا...» (نساء/۹۲)؛ «هیچ فرد باایمانی مجاز نیست که مؤمنی را به قتل برساند، مگر اینکه این کار از روی خطا و اشتباه از او سرزند و [در عین حال،] اگر کسی مؤمنی را از روی خطا به قتل رساند، باید یک برده مؤمن را آزاد کند و خونبهای بی‌کسان او بپردازد؛ مگر اینکه آن‌ها خونبها را ببخشند...». آیه می‌فرماید کفار قتل خطئی آن است که برده مؤمنی آزاد شود. اما به جای برده از واژه رقبه به معنای گردن استفاده شده است؛ یعنی گردن گفته شده، ولی شخص و انسان اراده شده است (همان: ۲۵۳-۲۵۵).

مفسران از جمله فاضل جواد در توجیه این خلاف ظاهر در آیه شریفه، به قاعده بلاغی مجاز با علاقه جزئیت اشاره کرده‌اند. فاضل جواد در توضیح این مطلب می‌گوید:

«چون قرائت قرآن، جزئی از نماز است، با استفاده از علاقه و قرینه جزئیت می‌توان قرائت قرآن را به جای نماز به کار برد. بنابراین هرچند این استعمال، به کاربردن لفظ در غیر معنایی است که برای آن وضع شده است، اما کاربردی صحیح و از اقسام مجاز است» (فاضل جواد کاظمی، ۱۳۶۵: ۱/۱۹۵).

زمخشری نیز این قاعده را بیان کرده و البته به استعمال دیگری از این قاعده در آیات قرآن اشاره کرده، می‌گوید:

«همان گونه که در برخی آیات، از نماز به رکوع و سجود تعبیر شده است، در این آیه هم به قرائت که بخشی از نماز است، تعبیر شده است» (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴/۶۴۳).

نتیجه‌گیری

از بررسی چهار قول درباره مراد از قرائت قرآن در آیه آخر سوره مزمل (مطلق قرائت قرآن، قرائت در تمام نمازها، قرائت در نمازهای یومیه، و نماز شب) مشخص شد که قول اول، دوم و سوم از جهاتی همچون مخالفت با سیاق آیه، مخالفت با سیاق سوره، مخالفت با روایات و... پذیرفتنی نیستند و قول چهارم با ادله‌ای همچون موافقت با قواعد بلاغی، مطابقت با سیاق آیه، موافقت با سیاق سوره، موافقت با مقام تأیید شد. با توجه به اینکه مراد از قرائت قرآن نماز شب است و می‌دانیم که نماز شب قطعاً دست کم بر غیر پیامبر ﷺ واجب نیست، بنابراین باید از ظهور صیغه امر در وجوب به جهت وجود قرینه دست برداریم.

کتاب شناسی

۱. آبگشا، غلامرضا، و علی کرمی، «اهمیت نماز شب در آینه قرآن»، فصلنامه پژوهش نامه مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی، سال دوم، شماره ۹، پاییز ۱۳۹۶ ش.
۲. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحرير والتنوير (تفسیر ابن عاشور)، بیروت، مؤسسة التاريخ العربي، ۱۴۲۰ ق.
۳. ابن مبارک مروزی، عبدالله، کتاب الزهد والرفائق، تحقیق حبیب الرحمن اعظمی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۵ ق.
۴. انصاری قرطبی، ابو عبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۶۴ ش.
۵. بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل و اسرار التأویل، تحقیق محمد عبدالرحمن مرعشلی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ ق.
۶. جصاص، ابوبکر احمد بن علی رازی، احکام القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ ق.
۷. حرّ عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ ق.
۸. خاتمی، سید جواد، و سیدرضا موسوی، «کاوشی در نماز شب پیامبر اکرم (ص)»، مطالعات اسلامی: فقه و اصول، سال چهل و دوم، شماره ۸۵/۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۹ ش.
۹. خرمی، جواد، «تهجد و شب زنده داری در سیره پیامبر اکرم (ص)»، ماهنامه مبلغان، شماره ۷۷، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۵ ش.
۱۰. دزی، رضا، تفسیر تطبیقی روایی سوره مزمل از اهم تفاسیر فریقین، با راهنمایی عبدالهادی مسعودی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علوم قرآن و حدیث، ۱۳۹۱ ش.
۱۱. زمخشری، جارالله محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل، چاپ سوم، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۱۲. سید مرتضی علم الهدی، علی بن حسین موسوی، تفسیر الشریف المرتضی المسمی بنفائس التأویل، بیروت، شرکتة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۳۱ ق.
۱۳. سیوری حلّی (فاضل مقداد)، جمال الدین مقداد بن عبدالله، کنز العرفان فی فقه القرآن، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۳ ش.
۱۴. شکراللهی، عذرا، محمدرضا حاجی اسماعیلی، داوود اسماعیلی، «قرآن پژوهان و آیه پایانی سوره مزمل»، فصلنامه پژوهش های قرآنی، سال بیست و یکم، شماره ۱ (پیاپی ۷۸)، بهار ۱۳۹۵ ش.
۱۵. صفری رودبار، خدیجه، بررسی معناشناختی سوره مزمل و ملثر، با راهنمایی سیدحسین سیدی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد، تیرماه ۱۳۹۵ ش.
۱۶. طباطبائی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.
۱۷. طبرسی، امین الاسلام ابوعلی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۱۸. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۱۹. همان، تهذیب الاحکام، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۲۰. علامه حلّی، ابومنصور جمال الدین حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تذکرة الفقهاء، قم، مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ ق.

۲۱. فاضل جواد کاظمی، جواد بن سعید، مسالك الافهام الى آيات الاحکام، چاپ دوم، تهران، کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۶۵ ش.
۲۲. فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، چاپ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۲۳. فرحان جواد، علی، «الألفاظ الدالّة علی الصلاة فی القرآن الکریم - دراسة دلالية»، القادسیة فی الأدب و العلوم التربویة، شماره ۴، ۲۰۰۹ م.
۲۴. قطب الدین راوندی، ابوالحسن سعید بن هبة الله، فقه القرآن فی شرح آیات الاحکام، چاپ دوم، قم، کتابخانه عمومی آية الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۵ ق.
۲۵. کرکی عاملی (محقق ثانی)، علی بن حسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، چاپ دوم، قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ ق.
۲۶. کیا هراسی، عمادالدین ابوالحسن علی بن محمد طبری، احکام القرآن، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۲ ق.
۲۷. مالک بن انس، الموطأ، ابوظبی، مؤسسه زاید بن سلطان آل نهیان للاعمال الخیریه و الانسانیة، ۱۴۲۵ ق.
۲۸. موسوی، لیلا، بررسی دلالت های آوایی سوره مزمل و مدثر، با راهنمایی کبری خسروی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه لرستان، بهمن ۱۳۹۵ ش.
۲۹. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، موسوعة الامام الخوئی، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی، ۱۴۱۸ ق.
۳۰. میرعمادی، سید احمد، «آية اللیل ... هل هی منسوخة؟»، رسالة القرآن، شماره ۱۶، اسفند ۱۳۷۲ ش.
۳۱. نجفی، محمد حسن بن باقر، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، چاپ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.
۳۲. هاشمی، سید احمد، جواهر البلاغة فی المعانی و البیان و البدیع، قم، ذوی القربی، ۱۴۲۰ ق.



موجز المقالات

الأمن في القرآن الكريم؛

دراسة تحليلية دلالية على ضوء نظرية الاستعارة التوجيهية

- محمّد حسين شيرزاد (دكتوراه في علوم القرآن والحديث بجامعة الإمام الصادق عليه السلام)
- محمّد حسن شيرزاد (دكتوراه في علوم القرآن والحديث بجامعة الإمام الصادق عليه السلام)
- محمّد شريفى (أستاذ مشارك في قسم علوم القرآن والحديث بجامعة مازندران)

إنّ «الأمن» إحدى الحاجات الرئيسة للمجتمعات البشرية وأولها القرآن الكريم عناية فائقة. وعلى الرغم من أنّ ثلّة من الباحثين كرسوا بحوثهم على دراسة التعاليم الأمنية في هذا السفر المقدّس إلّا أنّ مراجعة بحوثهم تثبت أنّ معظم اهتمامهم انصرف إلى آيات تتناول إدارة مخاوف الإنسان وهواجسه الدنيوية مباشرة؛ ومنها الآية ٦٠ لسورة الأنفال المباركة. بينما هناك كمّ هائل من التعاليم القرآنية المتعلقة بالأمن، ليس في الاستخدام الحقيقيّ للألفاظ وإتّما في سياق تعبيرات استعارية بديعة. ومن أجل دراسة تلك التعبيرات الاستعارية، حاولت هذه المقالة بمقاربتها الدلالية المعرفية أن تلقى الضوء على دور الجهات الستّ في بناء الاستعارات المفهومية للأمن والفلتان الأمنى. أثبتت

هذه الدراسة أنّ الأمن في التعبير القرآنيّ يتمثّل في الجهات الثلاثة: الأعلى والأمام واليمين؛ بينما الفلتان الأمنيّ يُعبّر عنه بالجهات الثلاثة الأسفل، والوراء، واليسار. المفردات الرئيسة: لغة القرآن، علم الدلالة المعرفيّة، الاستعارة المفهوميّة، الاستعارة التوجيهيّة، الجهات الستّة.

مكانة حاجات الإنسان الأساسيّة في آيات القرآن، في ضوء نظريّة يوهان غالتونغ حول السّلم والعنف

- أحمد عليّ صاحب ناسي (طالب دكتوراه في علوم القرآن والحديث بجامعة أصفهان)
- محمّد رضا حاجي إسماعيليّ حسين آبادي (أستاذ في قسم علوم القرآن والحديث بجامعة أصفهان)
- مهديّ مطيع (أستاذ مشارك في قسم علوم القرآن والحديث بجامعة أصفهان)

ليست الحرب في وجهة نظر «يوهان غالتونغ» إلا شكلاً من أشكال العنف، وإنّ السلام لا يُنال بترك النزاع والخصام؛ بل يستقرّ في غياب العنف. يعدّ غالتونغ العنف «اختلالاً وضراً يمكن تفاديه في سبيل تلبية حاجات الإنسان الرئيسة». ومن هذا المنظور فإنّ العنف هو الجور وغياب العدل، وإنّ كلّ عنفٍ بدايةً سلسلة متوالية من أعمال العنف التالية. إذن لا بدّ من كسر حلقة العنف لنيل السلام. وذلك لا يتيسّر إلاّ بقطع العلاقات الظالمة القائمة على التمييز بين الشعوب. ويرى أنّ الثقافة مصدر هذه العلاقات، وأنّ الدين باعتباره عنصراً جوهرياً للثقافة، يؤدّي دوراً حاسماً في إقرار السلام أو نشر العنف. السؤال الجوهرىّ لهذه المقالة هو: ما هي مكانة حاجات الإنسان الأساس في التعاليم القرآنيّة؟ هل يحترم القرآن هذه الحاجات ويعترف بها؟ الإجابة عن هذا السؤال بنعم تعني أنّ التعاليم الإسلاميّة سلميّة تناشد الصلح، بينما تفيد الإجابة السلبية بأنّ تلك التعاليم عنيفة معارضة للصلح. وخلصت هذه الدراسة الوصفية التحليلية إلى أنّ حاجات الإنسان الجوهرية تحتلّ مكانة سامية في القرآن، وأنّ تجاوز «الفساد» و«السيئة» و«العنف»، وتجاوز «المحاربة بغية الفساد في الأرض» و«الإرهاب» مؤشّر على إرادة الإسلام لمكافحة العنف والإرهاب.

المفردات الرئيسة: الإسلام، العنف، السلام، القرآن، الحاجات الأساس، يوهان غالتونغ.

دراسة في مفهوم النظام القرآني للتأمين الاجتماعي

في ضوء مفهوم الحياة الطيبة

- مهديّ عبد اللّهيّ پور (أستاذ مساعد بجامعة علوم ومعارف القرآن الكريم)
- سيّد محمّد نقيب (أستاذ مساعد بجامعة علوم ومعارف القرآن الكريم)
- عليّ غضنفرى (أستاذ مساعد بجامعة علوم ومعارف القرآن الكريم)
- عليّ زهراب (طالب دكتوراه في التفسير المقارن بجامعة علوم ومعارف القرآن الكريم)

عادة يُختزل المفهوم السائد للتأمين الاجتماعيّ، في دعم الحكومات المعيشي لأبناء المجتمع. ومفهوم التأمين الاجتماعيّ وإن كان مستوحى من تعريف معاصر ومصطلح عليه وفي الرؤية الغربيّة العلمانيّة لحاجات الإنسان الماديّة؛ إلاّ أنّه يبدو أنّ هذا الموضوع لن يعيق بحال تقديم مفهوم جديد عن هذا المصطلح. تركّزت هذه الدراسة الوصفية التحليلية بالتحديد على أنّه كيف يمكن صياغة مفهوم عن التأمين الاجتماعيّ، على أن يكون قائماً على الحياة السعيدة المرجوة ومستلهمًا من التعاليم القرآنيّة؟ عرض القرآن الكريم نمط حياة للإنسان وعبر عنه بـ«الحياة الطيبة» التي تميّز بسما، منها أنّها حياة دائمة، ونابعة من مراتب الإيمان وتجسيد للعمل الصالح، وحياة كريمة آمنة تجلب الهدوء والاطمئنان، وحافلة بالسعادة والسرور. في هذا النمط ليس تأمين الحياة الماديّة والمعاش مغفولاً فحسب؛ يُعدّ من أهمّ عناصره ومقوماته. من جانب آخر، بما أنّ هناك مقاربات شتىّ تجاه كرامة الإنسان تناشد حتّى في مفهومها السائد، ضمان الكرامة الإنسانيّة، وبما أنّ هذا الهدف السامى من الأهداف الرئيسيّة لهدى القرآن الكريم، فإنّ النظام القرآنيّ للتأمين الاجتماعيّ يرتبط ارتباطاً وثيقاً بمفهوم الحياة الطيبة باعتبارها حياة الإنسان المنشودة. وزبدة القول أنّ هذا النظام نظام متناغم مع الحياة الطيبة تحاول تأمين كرامة الإنسان الاجتماعيّة وأمنه وطمأننته في كلتا الدارين، والدولة الإسلاميّة بوصفها السلطة الحاكمة وأقوى كيان اجتماعيّ، لها الدور الأبرز في تأمينها؛ بحيث يمكن القول بأنّ الدولة الإسلاميّة، هي دولة النظام القرآنيّ للتأمين الاجتماعيّ.

المفردات الرئيسيّة: التأمين الاجتماعيّ، دراسة المفهوم، النظام القرآنيّ، الحياة الطيبة.

دراسة أساليب القرآن الكريم في الإقناع حول القيامة

- سحر مصلى نجاد (ماجستير اللسانيات بجامعة بيار نور بشيراز)
- محمد هادي فلاحى (أستاذ مساعد بالمركز الإقليمي للإعلام العلمى والتقنى بشيراز)
- بهزاد مریدی (أستاذ مساعد فى قسم اللسانيات واللغات الأجنبية بجامعة بيار نور بشيراز)

استخدم الله تعالى فى القرآن أساليب شتى لإقناع المتلقى وإثبات حقايقته كلامه. فعملية الإقناع تُعدّ من أكثر مباحث تحليل الخطاب تداولاً، وتُستخدَم لأجل ضبط ذهن المتلقى وإلقاء الرسالة. سلّطت هذه الدراسة الضوء على أساليب الإقناع وكيفية استخدامها لتشجيع المتلقى على متابعة موضع القيامة فى كلّ من سورة القيامة والواقعة والغاشية والنبأ وعبس، واستخدمت فى دراسة مقومات الإقناع وعناصره نموذج هاولند ونموذج استعراض الحقيقة للتفسير المعرفى. واعتمدت الدراسة ترجمة القرآن لآية الله مكارم شيرازى، وأيضاً ترجمة تفسير الميزان وتفسير النور. أثبتت النتائج المستخلصة عبر المنهج الوصفى التحليلى استخدام جميع أجزاء النموذجين فى السور المذكورة كلّها. وعلى أساس نموذج هاولند تضمّن هذه السور استدلالات كثيرة، والتخويف والتهديد والسؤال والإجابة أكثر من آليات الإقناع الأخرى. ونظراً لإقامة الأدلة الكثيرة فى جميع السور المذكورة، فقد تبين أنّ الأسلوب المركزى الذى يؤكّد على محتوى الرسالة الاستدلاليّ، أكثر استخداماً، الأمر الذى يدلّ على المقاربة القرآنية الإقناعية القائمة على التفكّر.

المفردات الرئيسية: الخطاب، الإفحام، الإقناع، القرآن، القيامة.

نمط فى تطوّر علم تناسب السور القرآنية:

تناسب سورتي الفتح ومحمد ﷺ نموذجاً

- صديقه جنتى فيروز آبادى (ماجستير فى علوم القرآن والحديث بجامعة ميبد)
- أحمد زارع زردينى (أستاذ مشارك فى قسم علوم القرآن والحديث بجامعة ميبد)
- كمال صحرائى أردكانى (أستاذ مساعد فى قسم علوم القرآن والحديث بجامعة ميبد)

تشكّل معرفة تناسب السور القرآنية والسعى إلى دراسة بنيتها الهندسية أحد اهتمامات الباحثين المعاصرين من أجل اعتمادها فى مختلف البحوث التفسيرية والكلامية. ومن

مجالات البحث في علم التناسب الأطلاق على معطيات الباحثين القدامى والمعاصرين والجمع بينها وبالتالي تقديم حلول في العلوم القرآنية. يُعَدُّ الدراسة الخطية أو «ترتيب السور» و«تناسب السور» من الاتجاهات القديمة في علم التناسب، وهو اتجاه خطي تمامًا. وما زال هذا الاتجاه له أنصار ومؤيدون. تسعى هذه الدراسة إلى تطوير هذا الاتجاه في دراسة بنية القرآن الكريم عبر الجمع بين معطيات البحوث القديمة والجديدة، وتطبيق تلك المعطيات في تحليل الترابط القائم بين سورتي محمد ﷺ والفتح. تدلّ نتائج هذه الدراسة على وجود علاقات مختلفة من الصلات اللفظية والدلالية على المستوى الصغير والكبير. وتشير نتائج هذه الدراسة إلى توفير المجال الأحسن لفهم أمثل للسورتين، وإيضاح أفضل للبنية النصية للقرآن الكريم، وتقديم ردود دامغة على الشبهات المتعلقة بتعددية بنية (نص) القرآن الكريم، وإماطة اللثام عن جمالياته.

المفردات الرئيسية: سورة محمد ﷺ، سورة الفتح، العلاقات النصية، تناسب سور القرآن، معرفة بنية القرآن.

نمط العوامل المؤثرة في مسار التأليف في العلوم القرآنية

(من القرن ٦ حتى ١٠) في سياق النظرية البنائية

- نجمة نجم (طالبة دكتوراه بجامعة آزاد الإسلامية، فرع علوم وتحقيقات، طهران)
- مهدي مهريزي طرقي (أستاذ مشارك بجامعة آزاد الإسلامية، فرع علوم وتحقيقات، طهران)
- محمد علي مهدي راد (أستاذ مشارك بمجمع فارابي التابع لجامعة طهران)
- سيد محمد علي آيازي (أستاذ مساعد بجامعة آزاد الإسلامية، فرع علوم وتحقيقات، طهران)

تدرس هذه المقالة من خلال المقاربة التفسيرية الفكرية العلمية والاجتماعية العوامل المؤثرة في التطورات الطارئة على التأليف في علوم القرآن. رأت ثمانية كتب في علوم القرآن النور طوال القرن ٦ حتى ١٠ للهجرة، وتركت بصماتها على تلك الحقبة، فلذلك استأثرت باهتمام البحث. تبنت المقالة منهج البحث الوثائقي والتحليل التاريخي في عملية البحث، كما اعتمدت في تحليل البيانات والمعلومات وعرض النمط النهائي، النظرية البنائية (GT). وظهرت نتائج البحث في ١٨ موضوعاً في مسار التطور وتم

تصنيف الموضوعات المذكورة على وفق مدى تأثير العوامل، المدى العالی والمتوسط والقصير. والجدير بالذكر أنّ النمط النهائي للعوامل المؤثرة في مسار تطوّر التأليف في علوم القرآن تمّ في سياق النظرية البنائية التي تتكوّن من أجزاء هي: العوامل العليّة بما فيها شخصيّة المؤلّف، واختصاصه العلمي، والعوامل الثقافية الاجتماعية لعصر المؤلّف، معاصروه وتأثره بما سبقه من الكتاب والمصادر، وتأثير المؤلّف في ما تلاه من الكتاب والمصادر، هوية النصّ وثاقته (بما فيها هيكلته ووظائفه ومحتوياته). العوامل السياقية أو الظرفية مثل الظروف الزمكانية، هجرة المؤلّف وأسفاره المتعدّدة، شمولية عناوين المصدر، قَدَم واشتہار الكتاب ومؤلفه. أمّا العوامل الوسيطة فهي كالمسلمات الأخلاقية للمؤلّف، والعوامل السياسية والاقتصادية لعصره، حرّية المؤلّف الفكرية أو تزمته. هذا وتطرّق البحث إلى الإستراتيجيات ونتائجها أيضًا.

المفردات الرئيسة: علوم القرآن، التحليل التاريخي، العوامل المؤثرة، تطوّر التأليف، النظرية البنائية، القرن ۶ حتى ۱۰.

منهج ونموذج نويورت في استعراض العملية التواصلية في القرآن

- علىّ راد (أستاذ مشارك بمجمّع فارابی التابع لجامعة طهران)
 - سيّد محمّد موسىّ مقدّم (أستاذ مشارك بمجمّع فارابی التابع لجامعة طهران)
 - مريم سرخيل (دكتوراه في علوم القرآن والحديث بمجمّع فارابی التابع لجامعة طهران)
- استأثرت دراسة العلاقة بين القرآن والكتاب المقدّس باهتمام الباحثين الغربيين. ومنهم الباحثة آنجليكا نويورت التي تناولت هذه العلاقة في دراستها القرآنية بمقاربة لسائبة. انتقدت نويورت البحوث التي تزعم أنّ القرآن استنساخ عربيّ للإنجيل أو المسيحية، وعدت القرآن كتابًا مقدّسًا مستقلًّا جسّد ذروة القدسية في الكتب السماوية من جهة، واستطاع تطبيق أهدافه الدينية. درست نويورت عملية توجيه الخطاب في القرآن إلى المتلقّي بشكل شفهيّ وبمناخ مسرحية. إنّها تعدّ القرآن نصًّا تواصلًا يتعامل مع المتلقين، والذي تمكّن من الردّ على إشكاليّاتهم وأسئلتهم. استعرض الباحثون في هذه المقالة الوصفية التحليلية في البداية نظرية نويورت، وأيضًا نظرية الفعل التواصلية ليورغن هابرماس، ثمّ سلطوا الضوء على تطبيق نويورت لنظرية هابرماس. أظهرت نتائج البحث

أن نويورت استفادت من «نظريّة الفعل التواصلي» لهابرماس . حاولت نويورت أن تثبت تفرد القرآن واستقلاله إلا أن جهودها تعثرت في الدراسة التزامنيّة القائمة على السورة القرآنيّة، حيث اشتمت في بعض المواطن مع المقاربة المسيحيّة .
المفردات الرئيسيّة: نويورت، هابرماس، العمليّة التواصليّة، القرآن، الأدبيّ، التناصّ، الأرضيّة التاريخيّة.

تطبيق مقاربة «البنية المعرفيّة» في أساليب تعليم القرآن في سياق التعلّم ذي المعنى

- زهراء صفيان جوزدانيّ (ماجستير في العلوم والمعارف القرآنيّة)
- رضا سعادت نيا (أستاذ مساعد بجامعة علوم ومعارف القرآن الكريم، كليّة أصفهان)

ارتكزت هذه الدراسة على أهميّة البنية المعرفيّة وتعزيزها في نطاق النشاطات التعليميّة. والبنية المعرفيّة هي الطريقة التي ينظّم المتعلّم معلوماته وبياناته العلميّة في ذهنه. يسفر تكوين البنية المعرفيّة وتعزيزها إلى نتائج بارزة، منها جعل التعلّم ذا معنى، يعني ربط المعطيات العلميّة الجديدة بالمرتكزات العلميّة السابقة في بنية المتعلّم المعرفيّة، بحيث كلّما كانت هذه الصلة أوثق وأمتن، ازداد الإدراك عمقًا. وعلى وفق الآية ٩ لسورة الإسراء: ﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ...﴾ نؤمن بأنّ القرآن الكريم يعرّف بأساليبه في سياق مهمّته التعليميّة والهدى الأقوم. ولذلك فإنّ هذه المقالة الوصفية التحليليّة بصدد استخلاص الأساليب القرآنيّة في تكوين البنية المعرفيّة وتعزيزها وإيضاح مكانة البنية المعرفيّة في عمليّة التعلّم، عبر التأمل في القرآن ونصوص التربية والتعليم. أظهرت نتائج هذه الدراسة أنّ تكوين البنية المعرفيّة وتعزيزها في القرآن يخضع لمناهج وإستراتيجيات تشتمل على كلّ من: تناول المحتوى في سياق الأحداث، وتوفير الأرضيّة خلال الحوار مع الآخرين، وتوفير الأرضيّة عبر السرد القصصيّ، تعدديّة وجوه الحوار المباشر مع المتلقّي، ربط الكلام إلى الأركان البارزة للكلمات السابقة، وإدخال عنصر العاطفة، مثل التصوير، والتكرار الإيقاعيّ، في إطار هرم البنية المعرفيّة.
المفردات الرئيسيّة: القرآن، تعزيز البنية المعرفيّة، التعلّم ذو المعنى، أوزوبل.

آراء أبي القاسم الكعبي البلخيّ التفسيرية، دراسة تحليلية

- حسن خرقانيّ (أستاذ مشارك بالجامعة الرضوية للعلوم الإسلامية)
 - علي أكبر رستمی (أستاذ مساعد بالجامعة الرضوية للعلوم الإسلامية)
 - سيد محمد علي فهمي (طالب دكتوراه في علوم القرآن والحديث بالجامعة الرضوية للعلوم الإسلامية)
- علم التفسير مدين لمساعي مفسرين قاموا بشرح كتاب الله وتبيينه. ضاعت بعض تلك التفاسير؛ لكن آراء أصحابها حول بعض الآيات ما زالت تحتفظ بها المصادر. ومنهم أبو القاسم الكعبيّ البلخيّ المتكلم والمفسر المعتزليّ. تتناول هذه المقالة الوصفية التحليلية بعض آراء الأخير التفسيرية، ويتضح في ضوئها أنه يفسر الآيات بالمنهج القرآنيّ العقليّ، ويولي السياق ودقائق التعبير أهميّة كبيرة في فهم مراد الله تعالى. ومن هنا يرى أنّ المقصود بالكلمات التي ابتلى الله بها إبراهيم عليه السلام، هو الإمامة والتي أتمها الله سبحانه. كما أنه يعرض عن القول المشهور في سورة القيامة، متبنيًا ويعتقد أنّ المقصود بالقرآن هو قراءة كتب الأعمال. تحظى الاستدلالات العقلية والكلامية بمكانة متميزة عنده، حيث إنه يرى أنّ آدم عليه السلام قبلة الملائكة وليس مسجودهم، وجنة آدم أرضية، كما أنه لا يقبل «عالم الذر»، ويعتبر عقول بني آدم شاهدًا على ربوبية الله. إلى ذلك لا يرى الحكومة والخلافة شرعية للكفار والظالمين كونها عهدًا إلهيًا. ومن مباحثه التفسيرية قراءات القرآن وفقهه أيضًا.
- المفردات الرئيسة: أبو القاسم الكعبيّ البلخيّ، تفسير القرآن، المواقف التفسيرية، المناهج والاتجاهات التفسيرية.

تقرير غير واعد عن المعاد

على أساس معادلة الرجاء للتصديق في الآية ٧ لسورة يونس

- سيّدة فاطمة كيانی (ماجستير في علوم القرآن والحديث بجامعة قم)
 - سيد قاسم كيانی (مدرّس المستويات العليا للعلوم العقلية بحوزة قم العلمية)
- ذكر المفسرون في إيضاح مادة «الرجاء» في قوله تعالى: ﴿لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا﴾ (يونس / ٧) احتمالات شتى مثل الخوف والطمع والتوقع والتصديق. وعلى الرغم من أنّ «التصديق» من مدلولات يبدو ضروريًا إيضاح علاقته الدلالية مع الرجاء للتباعد الدلاليّ بين دلالاته الوضعية والرجاء، إلا أنّ المفسرين لم يتطرقوا إلى ذلك، الأمر الذي جعل جواز حمل

التصديق على الآية مكتنفًا بضابيّة. وهناك إشكالية ثانية في معظم التفسيرات السابقة بما فيها «التصديق»، وهي عدم العناية بالطابع التحفيزي للآية في الدعوة إلى النزعة الأخروية المتفائلة بدلاً من القناعة العقلية بالآخرة، لكن لم تعتن التفسيرات بهذه النقطة على الرغم مما يؤيدها مثل تخيّر مفردات الآية ونظمها. بتعبير أوضح حينما يقرأ المتلقّي التفسير ينصرف ذهنه إلى الإيمان بالمعاد والتداعيات الخطيرة لرفض المعاد بوصفها مبدأ عقائديًا، في حين تسعى الآية إلى فتح نافذة أخرى على المتلقّي لا تقدّم المعاد في سياق قناعة ومبدأ عقائديّ لازم الطاعة، كما أنّ الآية بصدد لفت انتباه المتلقّي إلى الأمل والتفاؤل في المعاد، أو بتعبير أوجز إلى النزعة الأخروية لا إلى الإيمان بالمعاد. قدّم هذا البحث تقريرًا تحليليًا عن الرأي القائل بمعادلة الرجاء للتصديق، والادّعاء القائل بأنّ هذه الآية بفكرتها الرئيسة وهي المعاد، بصدد ترسيخ النزعة إلى الحياة الأخروية وليست تكوين رؤية أو فكرة عنها. المفردات الرئيسة: الرجاء، التصديق، المعاد، الإيمان.

دراسة ونقد في آراء المفسّرين حول

«آيات النهي عن التعجيل في الوحي»

□ سيّد روح اله دهقان باغی

□ أستاذ مساعد في قسم المعارف بجامعة شيراز الطبيّة

تعددت التفسيرات الشيعيّة والسنيّة للآيات ١٦ حتّى ١٩ لسورة القيامة والآية ١١٤ لسورة طه، والتي تنهى الرسول الأعظم صلى الله عليه وآله عن التعجيل في قراءة القرآن. أطلق الباحث في هذه المقالة على تلك الآيات «آيات النهي عن التعجيل في الوحي». وظهرت ستة آراء للمفسّرين عن الآيات المذكورة بعد دراسة في أمّهات تفاسير الفريقين، حيث إنّ الرأي الأول المتفق عليه شيعيًّا وستّة، قائم على النهي عن التعجيل في قراءة القرآن لدى تلقّي الوحي، وظلّ هذا الرأي محطّ العناية طيلة خمسة عشر قرنًا مضى على نزول القرآن. أمّا الآراء الخمسة المتبقية فلا تحظى باتّفاق المفسّرين كلّهم، ولم تكن مطروحة في جميع القرون المنصرمة؛ بل تبنّى بعضها منهج تفسيريّ واحد أو عدد من التفسيرات. وكلّ واحد من الآراء تعانى إشكاليات متعدّدة تعدّر الاعتراف بها. هذه الدراسة المكتبيّة والوصفيّة التحليليّة المقارنة المصحوبة بالنقد العقليّ والنقليّ والتاريخيّ، كما أيّدت نزول القرآن

دفعه واحدة على وفق سورة القدر وغيرها من الآيات والأحاديث المتعلقة، اعتبرت هذا النزول قبيل نزول آيات النهى عن التعجيل فى سورة القيامة، ورأت فى ضوء رواية عن الإمام الصادق عليه السلام أن «النهى عن التعجيل» صدر تنبيهاً، وسبق ارتكاب المنهى عنه من جانب الرسول الأعظم صلى الله عليه وآله ومع الأخذ بعين الاعتبار أن القرآن فى نزوله الدفعى لم يتم إبلاغه. المفردات الرئيسية: آيات النهى عن التعجيل، النزول الدفعى، الوحي، العلم الحضورى، نسيان الوحي.

المراد بقراءة القرآن فى الآية الأخيرة لسورة المزمل، وحكمها الشرعى

- حميد وحيدان أردكان (طالب دكتوراه فى علوم القرآن والحديث بجامعة فردوسى مشهد)
- حسن نقى زادة (أستاذ بجامعة فردوسى مشهد)
- محمّد حسن رستمى (أستاذ مشارك بجامعة فردوسى مشهد)

أمر المسلمون فى الآية الأخيرة لسورة المزمل بقراءة القرآن. والآراء متضاربة فى تحديد المراد بالقراءة. فمن الباحثين من يرى أن المراد بقراءة القرآن فى الآية هو مطلق القراءة، ولا يراد بها القراءة التى تُعَدُّ من واجبات الصلاة غير الركنية. ومنهم من يرى أن المراد بهذه القراءة هو مطلق القراءة فى الصلوات بما فيها الفرائض والمستحبات. استنبط ثلثة من الأعلام من هذه الآية وجوب القراءة فى الصلوات اليومية، مثل السيد المرتضى، والعلامة الحلى، والمحقق الكركى، وآية الله الخوئى، كما استنبط آخرون منها الأمر باستحباب صلاة الليل. لو دققنا فى دلالة «قيام الليل» واستعمالاته فى النصوص المتقدمة، والمقام وسياق الآية والسورة اتضح أنه لا يمكن التسليم بالأقوال الثلاثة الأولى لأنها تخالف ظاهر الآية وسياق السورة، وتخالف مقام القول والروايات المأثورة. أمّا القول الرابع فتؤيّد أدلّة مثل موافقته مع القواعد البلاغية، ومطابقته لسياق الآية والسورة، مقام القول والروايات الشريفة. ويتبين أيضاً أن فعل الأمر المخاطب فى التعبير القرآنى يفيد الاستحباب على خلاف ظاهره. هذا وتتطوى المقالة فى ثناياها على معطيات جديدة ومنها الدراسة فى دلالة «قيام الليل» واستخدامها فى هذا البحث والاستدلال على مقام القول وسياق السورة، وردّ العجز إلى الصدر. المفردات الرئيسية: سورة المزمل، آيات الأحكام، واجبات الصلاة، قيام الليل، قراءة القرآن.